

آیت الله سید محمد حسن آل طیب

سید نورالدین شریعتمدار جزائری

مقدمه

هنوز، صدای کرکاب^۱ در مسیبه دم-گوشها را نوازش می دهد، و مساند زنگ ساعت هشدار و بیدارباشی برای پاکدلان است. و همواره این صدا در زمانی معین به گوش می رسد، که چون تاریخی مشخص، مستحسن زمان را نشان می دهد. همسایگانی که هر روز این صدا را می شنوند، حوادث شبانه را با آن تنظیم می کنند. برخی می گویند: زمانی که آقا به مسجد می رفت، از خواب بیدار می شدیم. شناری عنوان می کنند: پیش از رفتن آقا به مسجد این چنین شد، یا پس از آن چنان گرفت.

این، صدای پای عالمی ربانی است که هر سپیده دم پس از انجام دادن عباداتی در خانه، روانه خانه خدا می شود، و برای انجام فریضه صبح و تعقیب آن تا برآمدن آفتاب، در گوشه ای از مسجد جامع شوشتر به سر می برد.

در نیمه روز نیز به هنگام اذان ظهر، هر کس در آن نزدیکی باشد، چهره ای روحانی با یک دنیا معنویت را می بیند که در حال حرکت به سوی مسجد جامع است. و در گوشه ای از این مسجد است که این عالم ربانی نماز ظهر و عصر و نوافل آنها، قضای برخی از نمازهای گذشته خود یا والدین، و دیگر مستحبات را انجام می دهد، که تا زمانی بسیار از ظهر گذشته این کار ادامه دارد.

در اول شب و هنگام اذان مغرب نیز برای سومین بار در روز، صدای کرکاب در پای این مرد خدا، دلها را به سوی خدا می کشاند. چشمها می بینند که او به سوی مسجد روان است و تا ۲ ساعت پس از مغرب یا بیش از آن، به نماز فریضه و نافله، و دیگر عبادتها اشتغال دارد.



بالای فقه و اصول، برمن دارد. لذا، برای ادای کمی از حقوق بسیاری که بر من دارند، این هدیه ناچیز را به علم و بزرگداشتی از این عالم تقدیم می‌کنم.

نسب

آیت الله حاج سیدمحمدحسن آل طیب، در ۲۹ ذیقعده سال ۱۳۲۹ هـ.ق، در خانواده علم و تقوا چشم به دنیا گشود. والد ماجدش، آیت الله آقا سیدمحمدحسین آل طیب (ره) معروف به آقا سید بزرگ، عالمی ربانی، عابدی صمدانی و فردی دائم الذکر بود. نسب او با واسطی کم، به علامه فهامه و محدث شهسپیر، آیت الله سید نعمت الله جزائری (ره) می‌رسد؛ آن عالم بزرگواری که علامه مجلسی (ره) در شأن او فرمود: «السید الاید الحبيب اللیب الادیب الاریت الفاضل الکامل المحقق المدقق جامع فنون العلم واصناف السعادات حائز قصبات السبق فی مضامیر الکمالات الاخ الوفی والصاحب الرضی السید نعمت الله الجزاری»^۲.

بهترین دلیل بر فضل، دقت و تحقیق سید نعمت الله جزائری در تمام علوم و فنون، کتابهایی است که از خود به یادگار گذاشته است. بیش از ۵۰ عنوان کتاب در علوم گوناگون از وی برجای مانده است، که بسیاری از آنها در چند جلد تنظیم شده است،^۳ و شهادی بر جامع بودن مؤلف است که برخی از آنها عبارتند از: *الانوار النعمانیة*، *انیس الفرید* در شرح توحید صدوق، *البحور الناضرة فی شرح اخبار العشرة الطاهرة*، *حاشیه بر معنی در نجوم*، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، *الجواهر الغوالی فی شرح عوالی اللغالی*، *حاشیه بر شرح جامی*، *شرح نهج البلاغه*، *ریاض الابرار در حسالات چهارده محصوم (ع)*، *قاطع اللجاج فی شرح الاحتجاج*، *کشف الاسرار فی شرح الاستصار*، *شرح تهذیب الاخبار*، *شرح عنینة ابن سینا*، *النور المبین فی قصص الانبیاء و لواعم الانوار فی شرح عیون الاخبار*.

تحصیلات

وی پیش از ۷ سالگی خواندن و نوشتن را آموخت، و سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. قفیه سعید ادبیات و مقدمات را در نزد عموی بزرگوارش، آیت الله سیدمحمدباقر آل طیب، فراگرفت. وی ریاضیات، هیت، علم نجوم و مقداری از طب را در نزد والد خود کسب کرد، و برای تحصیل علم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت، و از محضر آیت الله شیخ محمد رضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس، آن عالم ربانی به شوشتر برگشت، و از محضر آیت الله آقا سیدمهدی آل طیب و آیت الله آقا شیخ محمد کاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه وی به حوزه‌های علمیه قم و تهران هجرت کرد، و

هرکس او را در حال رفتن به مسجد می‌دید، چنان جذب چهره خدایی او می‌شد که دنیا را فراموش می‌کرد؛ چهره‌ای نورانی و درخشان با عمامه‌ای سیاه پر سر که مقداری از آن را به عنوان تحت الحنک بر روی شانه و سینه آویزان می‌کرد. سجاده‌ای در یک دست و در دست دیگر عبایی دهم پیچیده داشت، و لبها و گاهمی دستها به طور ویژه‌ای حرکت می‌کردند. من در آغاز راه و در تصورات کودکی‌ام، می‌گفتم که آقا با فرشتگان سخن می‌گوید. این تصور به کودکان اختصاص نداشت، بلکه بزرگسالان که مجذوب روحانیت و معنویت او شده بودند نیز چنین می‌گفتند.

آنگاه که بزرگتر شدم، و توفیق اتس و معاشرت با ایشان را دریافتم، متوجه شدم که این دانشمند بزرگوار در حال رفتن به مسجد، به یکی از ۳ کار اشتغال دارد: یا ذکر خدا می‌گوید و اذکار مخصوص اوقات را می‌خواند، یا نماز نافله را به جا می‌آورد، یا در اندیشه حل معضله‌ای از علم فقه، علم اصول یا دیگر علوم است.

عالم ربانی، فقیه صمدانی، اصولی کم نظیر، مفسر عالی مقدار، حکیم الهی، ریاضیدان ماهر و جامع منقول و معقول، مرحوم آیت الله جناب آقای حاج سیدمحمدحسن آل طیب (ره) که در صدد بیان گوشه‌ای از این شخصیت عالی مقدار هستم، حق استادی را از سرآغاز علوم ادبی تا مراتب

یا این آیات:

الحمل ذاتی واولی ان

کسان مفاده اتحاد مآقرن

فی الذات کالحد مع الحدود

واما الاتحاد فی الوجود

آیت الله آل طیب علم کلام رابه خوبی فراگرفته بود، به تدریس کتاب شرح باب حادی عشر و شرح تجرید تشویق می کرد، و طلاب را به فراگیری ابن علم ترغیب می نمود. وی در علم نجوم و هیئت اطلاعات کافی را از والد ماجدش به دست آورده بود، و در تعیین قبله، اوقات نماز، افق شهرها و تفاوت میان آنها، رؤیت هلال و دیگر مسائل این علم، افاده و افاضه داشت. همچنین، ایشان کلیاتی از علم طب قدیم را نیز از پدر فاضلش کسب کرده بود.

وی از ریاضیات نیز آگاهی داشت و در آن اهل نظر و رأی شده بود که نمونه های از نظریات ایشان ذکر می شود:

۱. برای تقسیم اعداد، ۲ طریق به نظر حقیر رسیده است که از هر یک ممکن است قواعد بسیاری استخراج نمود. و پس از اندک تأمل واضح می شود، که قواعد مشتق شده که اهل حساب در کتابهایشان ذکر نموده اند، مندرج در یکی از این ۲ طریق هستند ...

۲. برای حل دستگاه معادله ۲ مجهولی، طرق متعدده است. اول آنکه، یکی از ۲ مجهول را از روی ۲ معادله معین کرد ...

۳. قاعده حساسیة جبریة: اعلم ان التفاضل بین مربعی عدلین بساوی نجموع حاصل ضرب تفاضل نفس العدلین فیها ...

آیت الله آل طیب در خوشنویسی استاد دیده بود، و خط نسخ، نستعلیق و شکسته را شیوا می نوشت، و در آن استادی ماهر گشته بود. هر طلبه ای که از ایشان سرمشق خط می خواست، به او می داد؛ و در اصلاح و استمرار تعلیم آن، با خوشرویی استقبال می کرد.

وی در علوم ادبیات عرب ادیب ماهر بود، و در هنگام تدریس، به تجزیه و ترکیب متون درسی اهمیت فراوان می داد. آن فقیه ادیب کتاب الفیه ابن مالک را حفظ داشت، و حفظ کردن آن را به شاگردان توصیه می کرد؛ و به دلیل همین علاقه، آن را تضمین کرده بود. ایشان در علم فقه و اصول منجذبتی منسلب بود، و مسائل آنها را با تحقیق و دقت بسیار استنباط و بررسی می کرد، که در بخش تألیفات و اجازات، این موضوع روشن خواهد شد.

تدریس

یکی از ویژگیهای استاد فقیه، بیان ساده و روشن وی در تدریس علوم بود. ایشان می فرمود که من می توانم غامضترین

از مراجع آن عصر همچون حاج شیخ عبدالکریم حائری، حجت و خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت، و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. هنگامی که استادان نبوغ، حافظه و سرعت انتقال ذهنی او را مشاهده کردند، از حضور او در درس بسیار مسرور بودند، و علاقه مندی خود را به او ابراز می کردند، و از آینه درخشان او خوشحال بودند. به دلیل همین علاقه، آیت الله حاج شیخ محمدکاظم شیخ شوشتری وصیت کرد که پس از فوتش، نمازش را آیت الله سیدمحمدحسن آل طیب بخواند.

آیت الله آل طیب می فرمود: من کتاب تبصرة المتعلمین علامه حلی را در روز پنجشنبه و جمعه یعنی در ۲ روز، از آغاز تا پایان فراگرفتم، در زمانی که در شهر دزفول در نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسین معززی دزفولی تحصیل می کردم. در سفری که به همراه استادم برای زیارت حضرت دانیال پیامبر (ع) به شهر شوش رفته بودم، استاد فرمود که کتاب تبصرة المتعلمین را بخوانیم. با آنکه این کتاب یکی از متون فقهی مشکل است که برخی از عبارتهای آن به عنوان معنا و لغز در مجامع علمی مطرح می شود، در مدت ۲ روز تعطیل پنجشنبه و جمعه که در سفر بودیم، این کتاب را در نزد استاد از آغاز تا پایان خواندم و مطالب علمی آن را دریافت کردم.

آن حکیم متاله، از علم حکمت و فلسفه بهره های وافری برده بود، و می فرمود طالب علوم اسلامی باید از این علم اطلاعاتی داشته باشد. وی اهمیت فراوانی به تحصیل و تدریس فلسفه می داد، و خود سراینده اشعاری در این علم بود که نمونه هایی ذکر می شود:

ان البراهین مع الشهود

قامت علی اصاله الوجود

اذلبین للحق سوی الانیة

فکیف صح فرضها وهیة

و مقتضی سنخية العلیة

ترشح الوجود لاالماهیة

کل انشاء ینترشح بما

فیہ من الشور شعاعه یندا

یا این آیات:

لم ینجرد الهیولی عن صور

لانها حیث ان استفسر

ان یقبل الشهادة الحیة

یلزم ذاتیجزاً ذاتیة

و ذا هـ الخلف والا فبما

یعین الصورة ان تجردا

است، و در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد. در آغاز پس از حمد و ثنای الهی، ستایش از پیامبر (ص) و ذکری از دوازده امام (ع)، آن عابد صمدانی سبب تألیف و تنظیم اشعار را بیان کرده، و سپس در علم توحید و خداشناسی، نبوت عام، نبوت خاص، معجزه بودن قرآن، امامت، غنیمت دانستن عمر، توکل بر خدا، امیدواری به او، عمل رجایی، سلوک، اخلاص، ریا، قناعت و زهد، مخالفت با نفس، توبه، سکوت و خاموشی، آداب سخن گفتن، دروغ، غیبت و فروع فقهیه آن،

- علم، جود، صبر و دیگر علوم اخلاقی، فقهی و اعتقادی، مطالبی را عنوان نموده است. ۲.
- ۲. قاعده لاتعداد
- ۳. تحریر عروة الوثقی
- ۴. نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم
- ۵. منظومه‌ای در حکمت

فعالیتها

خدمات دینی استاد، ابعاد گوناگونی دارد که برخی از آنها عبارتند از :

۱. اسر به معروف و نهی از منکر: شدت عمل و پافشاری معظم له در این فریضه، کم نظیر بود. هر گاه در شهر شوشتر یا اطراف آن منکری در حال انجام بود و به گوش او می‌رسید، بی درنگ برای جلوگیری از آن اقدام می‌کرد. با آنکه در زمان طاغوت مبارزه با منکرات دشوار بود و دولت وقت از منکرات پشتیبانی می‌کرد و مبارزه با منکرات را مبارزه سیاسی محسوب می‌نمود، اما وی یک تنه می‌ایستاد و عواقب آن را می‌پذیرفت. در اجرای همین هدف مقدس بود که دبیرستان شبانه مختلط را بست، از آوردن دختران به میدان ورزش عمومی جلوگیری کرده، بر بدنهای برهنه سینه زنها در کوچه و خیابان لباس سیاه پوشاند، بقعه مقام صاحب الزمان(ع) را از گناه پاکسازی کرده، از بی حجابی زنها و دانش آموزان دختر جلوگیری نمود، یا بهائیان مبارزه کرد و مانع از ساختن مرکزی برای آنان در شوشتر شد، با درویشی و صوفیگری مبارزه نمود و ...

۲. تبلیغات مذهبی: آیه الله آل طیب مکرر می‌فرمود که تبلیغات مذهبی هدف درس خواندن است، و کسانی که در حوزه‌های علمیه عمر خود را صرف کرده‌اند و فعالیت درسی ندارند، از هدف بازمانده‌اند و نباید از وجوهات شرعیه استفاده کنند. از این رو، ایشان هرشب دوشنبه و پنجشنبه، طلاب را به روستاهای اطراف می‌فرستاد تا نماز جماعت بخوانند، و مسائل دینی و معارف مذهبی را به مردم تعلیم دهند.

۳. سرپرستی مستمندان: خانه‌ای که در شوشتر امید نیازمندان و مستمندان به حساب می‌آمد، خانه ایشان بود. هر روز صبح با طلوع خورشید، زن و مرد، و کودک و جوان نیازمند به در خانه ایشان جمع می‌شدند، و با گرفتن کمک و قلبی شاد آنجا اراک ترک می‌کردند. فقیرانی که می‌آمدند بر چند دسته بودند: برخی مستمری روزانه داشتند، و مستمری عده‌ای نیز هفتگی - هفته‌ای ۲ بار یا یک بار - یا ماهانه بود. همچنین در هنگام بروز حوادث همچون سیل و زلزله، ایشان با تمام توان به آسیب دیدگان کمک می‌کرد.

۴. توجه به همسایگان: آیه الله آل طیب از حال همسایگان غافل نمی‌ماند، و منتظر نمی‌شد تا آنان اظهار نیاز کنند، بلکه خود به وضعشان رسیدگی می‌کردند. ایشان در این مورد، به داستان مشهور علامه بحر العلوم و سید جواد عاملی اشاره

ممن اجازه اجتهاد از آیت الله محمد کاظم شیرازی
 در شام از آن آیت
 در شهر کربلا
 و گفتند که در این شهر که در این روز که

و بعد از این وقت استقامت من حضرت را در کتب
 در کتب معتبره و قد ذکر کتب معتبره من السید
 آیه الله تعالی را می‌گویند چون توفیق بر زبان آوردن
 علیه السلام بنا بر آنست که من انوار حق را که
 عبادت در این روز که من در آن با من تا کتب معتبره
 خود را با عارفان و عارفان در آن وقت دعا در آن روز که
 من می‌بینم در با علی و استیلا و السلام که این ملاکما در اول
 مبارزه در این روز که من در آن روز که من در آن روز که
 فقه ملاکما در آن روز که من در آن روز که من در آن روز که
 در آن روز که من در آن روز که من در آن روز که
 از آن روز که من در آن روز که من در آن روز که



می‌کرد که علامه بحر العلوم از سیدجواد عاملی ناراحت شد که چرا از همسایه خیر ندارد، و به وظیفه خبرگیری از آنان، اقدام نکرده است.

۵. انس با مردم: همیشه در خانه استاد باز بود. هرکس در هر ساعتی که به دیدار وی می‌رفت، او را می‌پذیرفت. ایشان در شادی و غم، همراه مردم بود، دعوت نهار و شام را از آنان می‌پذیرفت، و در میانشان مانند یکی از آنان بود.

اجازات

آیت الله آل طیب (ره) از مراجع بزرگ عالم تشیع، همچون: سیدابوالحسن اصفهانی، محمدکاظم شیرازی، ضیاءالدین عراقی، سیدمحمد هادی میلانی و سید محمود شاهرودی اجازهٔ اجتهاد داشت.

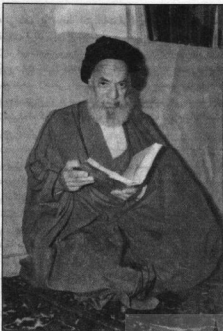
ارتباط با انقلاب

استاد بزرگوار به عنوان یکی از علمای مجاهد و مبارز، از همان آغاز نهضت روحانیت در ایران و همانند دیگر علمای مبارز، به میدان آمد. ایشان اعلامیه‌های مراجع بزرگ امام خمینی را تحویل می‌گرفت و دستور به توزیع آنها می‌داد. با امام خمینی (ره) مکاتبه داشت، و به دستور امام (ره) شهبای یکشنبه جلسهٔ علما را در شوشتر تأسیس کرد. وی از تبعید شدگان سیاسی به شوشتر استقبال می‌کرد، در راهپیمایی و مجالس انقلابی شرکت می‌نمود، از گویندگان سیاسی و مذهبی دعوت به عمل می‌آورد، و در تشییع جنازه شهدای انقلاب در زمان طاغوت شرکت می‌کرد.

پس از انقلاب نیز ایشان با امام (ره) در ارتباط بود، و در جنگ تحمیلی از رزمندگان پشتیبانی می‌کرد، و تدارکات پشت جبهه را اداره می‌نمود.

ارتباط با علمای بزرگ

شوق دیدار مردان خدا و علمای بزرگ الهی، او را به سفر می‌کشاند، و در هر شهری که وارد می‌شد با علمای آن دیار ملاقات می‌کرد. ایشان می‌فرمود: من عاشق این دیدار هستم. هر کدام از آنان به دیدار می‌آیند، به دیدارش می‌روم، و هر کدام که نیامد، خود به دیدار او می‌روم. آیت الله آل طیب در سفر عراق با علمای شهر نجف، کربلا و کاظمین دیدار کرد. وی به دلیل دیدارهای مکرری که با علمای ایران داشت، چهره‌ای شناخته شده میان آنان بود. ایشان با آیات گرامی: محمدرضا معزی دزفولی، سیدابوالحسن اصفهانی، سید مهدی شیرازی، سید محمود شیرازی، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید جمال گلپایگانی، سیدحسین حمامی، سیدحسن بجنوردی، سیدمحمدحسن حکیم، محمدحسین کاشف الغطاء، حسین قمی، سیدابوالقاسم خوئی، سید عبدالله شیرازی، اصطفی‌انانی، سید محمدرضا و سید مهدی خراسانی، سید هبه الدین



شهرستانی، و دیگر بزرگان و مراجع و علمای حوزه‌های قم، مشهد و دیگر شهرهای ایران دیدار داشت، و در هر دیداری به بحث و بررسی مسائل علمی می‌پرداخت.

فضایل اخلاقی

احتیاط شدید در بیان مسائل شرعی و گرفتن وجوهات از مردم و پرداخت آنها، از ویژگیهای این مرد خدا بود. ذکر فضایل اهل بیت (ع)، برگزاری مجالس در مناسبت‌ها و دستور به برپایی عزاداری در وفیات ائمه (ع) در شوشتر و شهرهای دیگر، مورد اهتمام ایشان بود. ایشان به انجام دادن عبادت، توجه و کوشش بسیار داشت. با اینکه آن فقیه عابد نمازهای یومیهٔ خود را با کمال احتیاط انجام می‌داد، اما قضای نمازهای خود و نماز والدینش را نیز انجام می‌داد. گفته‌اند که ایشان نماز تمام عمر والد ماجدش را ۲ بار به عنوان قضا انجام داده است. همچنین، وی نمازهای مستحب را - از نوافل یومیه و غیر آنها - ترک نمی‌کرد، و به ذکر خدا مأنوس بود و به دیگران نیز یادآوری می‌کرد. انس ایشان به قرائت قرآن چنان بود، که در خواب نیز از آن جدا نمی‌شد، و می‌فرمود: گاهی در حال خواب قرآن می‌خوانم و بیدار می‌شوم، و در حال بیداری نیز آن را

غذا برمی داشت و چند لقمه غذا می خورد. غذا هم بسیار ساده بود، بویژه در تابستان که ایشان نان را با خربزه، هندوانه یا میوه ای دیگر می خورد و به آن اکتفا می کرد.

ایشان در گرفتاریها و مصیبتها، صابر و خشنود به رضای خدا بود. اگرچه وی از نعمت فرزند بی بهره بود، اما هرگز اظهار ناراحتی نمی کرد. او طلاب نوجوان را فرزندان خود می دانست، و دل خود را به آنان خوش می داشت؛ بویژه کسانی که پدر نداشتند، در سایه لطف پدری او یتیمی را احساس نمی کردند.

وفات

سرانجام، بزرگی مریدی که از آغاز زندگی راه فضل و کمال را پیموده، و در آخر عمر خود به فراز آن رسیده بود، در پامداد شنبه ۲۵ تیر ۱۳۷۳ هـ. ش/ ۶ صفر ۱۴۱۵ هـ. ق، در ۸۶ سالگی داعی حق را لبیک گفت و به قرارگاه اصلی که رضایت و رضوان الهی بود شتافت، و به دیدار پیامبر و اهل بیت (ع) نائل آمد. در فراغش، هزاران نفر از شیفتگان علم به عزایش نشستند، و با سرشک غم جنازه اش را چون جان شیرین بر دست گرفتند، و در بقعه مقام صاحب الزمان(ع) به خاک سپردند.

یادداشتها :

۱. کربکاب: نوعی دهپای چوبی است که در شوشتر ساخته می شد.
۲. اجازة علامه مجلسی(ره) به سید نعمت الله جزائری
۳. ک. جزائری، سیدمحمد، نابغه نقه و حدیث
۴. تضمین اشعار القیه، در کتاب بنیان الرازی نوشته آقای شیخ محمد رازی، شرح شده و به چاپ رسیده است.

ادامه می دهم. او حافظ اکثر آیات قرآن بود، و خواب و بیداری در قرائت قرآن برای او یکسان می نمود، زیرا قرآن بآر و روح روان او آمیخته شده بود. آیت الله اک طیب تلاش بسیار می کرد تا مکروهات و اترک کند، و حتی عبادتها را به صورت مکروه انجام ندهد. زمانی، ایشان اقامه نماز جماعت را تعطیل کرد. وقتی از او پرسیدند که چرا تعطیل می کنید؟ پاسخ داد: شنیده ام که محل اقامت نماز جماعت قبرستان است، و نماز در آن کراهت دارد.

روی همین عقیده بود که شبها به زیارت امامزاده ها نمی رفت، و می فرمود که زیارت قیسور در شب کراهت دارد؛ و اگرچه قیسور ائمه(ع) استنا شده است، اما قیسور امامزادگان مستثنا نیست.

استاد به دنیا و زبوره های آن اعتنا می نداشت، و زندگانی ساده و متوسطی را اختیار کرده بود. ایشان در خوراک و پوشاک از طبقه متوسط نیز پایین تر می زیست.

آن فقیه زاهد بسیاری از شبها که از نماز برمی گشت و می خواست شام بخورد، در کنار غذا روی زمین می نشست؛ و بدون اینکه فرش باشد و سفره ای پهن کند، و رپوش از روی

ندیدم دیدم که در مجلسی چند شریف علمایی بر سر میزانی با ایشان
نهمین روز در مجلسی حضور یافت دستگیری ایشان در حضور امام
فرموده اند که بیعت با من می بود همیشه داشت در مجلسی با من بود
خیزد و در میان می نشست هرگز اگر کس در میان من حاضر شود
نزد من بود بگویم که در روز من است است بیعت کن و در میان لب هرگز
در شب سه سحران در پیش من است است بیعت کن و در میان لب هرگز
کربان جود در است حساب مردم داشت عشق بدانی و دل در تن
بیعت سوگند او تمام دو سوا بیعت کار کن گفت او هرگز از این بیعت
کرد هرگز از امانت خود که در گویند این بیعت بد که کاش تا آخر عمر من
همیشه مرا پیش بد چه بیعت خودتان بد چه بیعت خودتان بد چه بیعت
فراخ کن بدایت از برای کافر خلق می بیعت است از آن بیعت تمام
که بیعت کسی از من بد دارد من از من بیعتی که در من است از این
هر بیعتان در نفس بنا نمود عظیمس باید کار براند و بیعت بیعت
بر من چه بیعت بیعت از آن بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
عزیزان در بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
و انصاف از هر بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
منام بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت
بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت بیعت